رنج کودکان غزه از ظلم صهیونیست‌ها تا خیانت ارتجاع عرب

زهرا عباسی

محاصره غزه که از سال ۲۰۰۷ و در پی پیروزی حماس در انتخابات و شکست جنبش فتح و توافق امنیتی مصر و اسرائیل شروع شده بود، ۱۲ ساله شد و دراین مدت رنج و مشکلات اقتصادی، اجتماعی و درمانی مردم این منطقه چند برابر شده است. رژیم اشغالگر قدس دراین مدت تمام تلاش خود را برای تخریب زندگی شهروندان غزه انجام داده است ونه تنها مقامات فلسطینی، بلکه سازمان‌های حقوق بشری، شخصیت‌ها و مقامات کشورهای مختلف نسبت به بروز فاجعه بشری در این باریکه هشدار داده و خواستار مداخله جهانی برای توقف جنایات صهیونیست‌ها نسبت به مردم مظلوم این منطقه شده‌اند. این نهادها و شخصیت‌ها هشدار داده‌اند، در صورتی که اقدامات فوری برای بهبود اوضاع انسانی و احیای اقتصاد غزه انجام نشود، این منطقه با فروپاشی زیرساخت‌ها و معیشتی روبه‌رو خواهد شد. اما علی‌رغم این هشدارها، هیچ کس به فکر مردم این منطقه نیست؛ گویی غزه جزیی از این کره خاکی نیست و سرزمینی فراموش شده است. وضعیت وخیم و فاجعه بار غزه صدای فعالان حقوق بشری غربی را هم درآورده و«تای بری» فعال صلح آمریکایی، غزه را بزرگترین زندان جهان توصیف کرده و می‌گوید: «مداخلات آمریکا در امور غزه از جمله کاهش بودجه کمک‌رسانی به آوارگان فلسطینی و متقابلا کمک ۲۰۰ میلیون دلاری به رژیم صهیونیستی یک جنایت جنگی است».

این فعال آمریکایی می‌گوید «دونالد ترامپ از بار مالی کمک کشورش در کمک به آوارگان فلسطینی حرف می‌زند و در همان حال، کمک به رژیم صهیونیستی را افزایش می‌دهد.» وی اضافه می‌کند، این کار آمریکا، مردمی را که تحت‌اشغال صهیونیست‌ها هستند، بیشتر تحت فشار قرار می‌دهد. این کار کمک به نظام «آپارتاید» اسرائیل و در واقع یک جنایت جنگی است.

این فعال صلح به مشاهدات خود در فلسطین استناد می‌کند و می‌گوید: «من در الخلیل فلسطین بوده‌ام و دیده‌ام چگونه سربازان اشغالگر با فلسطینی‌ها به عنوان یک شهروند درجه دو برخورد می‌کنند. با قوانین تبعیض آمیز واشغالگری، حق آنها را برای دفاع از سرزمین شان پایمال می‌کنند. اسرائیل می‌خواهد مشروعیت وجود آوارگان فلسطینی را زیر سؤال ببرد اما در واقع آن چیزی که مشروعیت ندارد، رژیم‌اشغالگر اسرائیل است و نه آوارگان فلسطینی».

تای بری در اظهاراتی تند و انتقاد آمیز از کسانی که با حمایت‌های خود رژیم صهیونیستی را که ریشه و اساسی ندارد گستاخ‌تر کرده‌اند می‌گوید: «مردم فلسطین ساکنان اصلی آن سرزمین هستند و مسئله اصلی این است که اسرائیل مرزی ندارد اما مرزهای فلسطین مشخص است. پس چگونه می‌توان درباره مشروعیت رژیمی سخن گفت و آن را به رسمیت شناخت که مرزی ندارد و نمی‌توان سرحدات آن را مشخص کرد؟!»

«نورمن فینکلشتاین»، نویسنده و استاد دانشگاه علوم سیاسی آمریکا نیز توجه جامعه جهانی را به بحران غزه جلب می‌کند و می‌گوید: «محاصره نوار غزه باعث شده است که این منطقه در یک فاجعه انسانی غرق شود. در حال حاضر فاجعه انسانی در غزه به معنای واقعی غیرقابل پذیرش است. وی در بخش دیگری از اظهاراتش با اشاره به تصمیم رئیس‌جمهور آمریکا مبنی بر شناسایی قدس به عنوان پایتخت اسرائیل که منجر به اعتراض جهانی و همچنین برگزاری تظاهرات اعتراض‌آمیز در سرزمین‌های‌اشغالی شده اضافه می‌کند: «در پشت این تصمیم برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری سازمان یافته‌ای وجود ندارد لذا این تصمیم تاثیر معکوسی خواهد داشت و آنچه مقامات آمریکایی از این تصمیم انتظار داشتند برآورده نمی‌شود و ضرر آن متوجه تصمیم گیرندگان آن خواهد شد.»

*** وضعیت وخیم و فاجعه بار غزه صدای فعالان حقوق بشری غربی را هم درآورده و«تای بری» فعال صلح آمریکایی، غزه را بزرگ‌ترین زندان جهان توصیف کرده و می‌گوید: «مداخلات آمریکا در امور غزه از جمله کاهش بودجه کمک‌رسانی به آوارگان فلسطینی و متقابلا کمک ۲۰۰ میلیون دلاری به رژیم صهیونیستی یک جنایت جنگی است».**

آمارها سخن می‌گویند

نوار غزه پس از ۱۲ سال محاصره، تحمل سه جنگ متوالی نا برابر با رژیم صهیونیستی، تحمل مجازات‌های اعمال شده از سوی تشکیلات خودگردان و عدم همکاری دولت مصر در باز کردن تنها گذرگاه حیاتی منطقه (رفح)، قطع مکرر جریان برق، نبود سوخت، کم آبی، نبود اقلام دارویی و پزشکی، تخریب زیر ساخت‌ها و...، در آستانه یک بحران انسانی بزرگ قرار دارد.

نرخ فقر در نوار غزه به حدود ۸۰ درصد رسیده است و ۶۵ درصد از ساکنان این باریکه زیر خط فقر هستند. ۵۰ درصد ساکنان غزه بیکار هستند و نیمی از بیکاران را نیز جوانان فارغ‌التحصیل دانشگاه‌ها تشکیل می‌دهند. هم اکنون ۱۷ هزار بچه یتیم در این باریکه وجود دارد که نیازمند مراقبت و سرپرستی هستند. در هر ۲۴ ساعت جریان برق به مدت ۱۸ تا ۲۰ ساعت قطع است.

روزانه هر فرد به ۶۰ لیتر آب دسترسی دارد. این رقم کمتر از پایین‌ترین حد میزان آب مصرفی است‌اندارد برای هر فرد در روز است. تا دی ماه گذشته ۴۵ درصد داروهای موجود در انبارهای وزارت بهداشت فلسطین به اتمام رسیده بود. میزان کسری کالاهای پزشکی به ۲۸ درصد می‌رسد و از هر ۱۰ خانواده ساکن نوار غزه ۶ خانواده از از کمبود مواد غذایی رنج می‌برد. همچنین ۵۰ درصد کودکان فلسطینی ساکن باریکه غزه نیاز به حمایت روحی و روانی دارند، ۵۵ درصد ساکنان نوار غزه نیز دچار افسردگی هستند.

سازمان «پزشکان برای حقوق بشر» نیز آمارهای تکان دهنده‌ای را در ارتباط با نوار غزه ارائه و اعلام کرده است که مردم تحت محاصره نوار غزه به ۵۰۰ نوع اقلام دارویی و تجهیزات پزشکی شدیداً نیاز دارند و حقوق پزشکان در این باریکه به شدت کاهش یافته است، بسیاری از آنان مجبور هستند یا مجانی یا در مقابل دریافت ۳۰۰ الی ۶۰۰ دلار در ماه کار کنند. علاوه‌بر این، تاکنون صدها بیمار به خاطر نبود دارو و عدم ارائه خدمات پزشکی در بیمارستان‌های نوار غزه جان خود را از دست داده‌اند و بیشتر اقلام دارویی در این باریکه یا تمام شده‌اند یا رو به اتمام هستند و رژیم صهیونیستی هم اجازه اعزام بیماران غزه به خارج را نمی‌دهد. در این باریکه علاوه‌بر بیماری‌های مختلف، ۱۳ هزار نفر به بیماری مهلک سرطان مبتلا هستند.

بر اساس آمارهای سازمان ملل، حدود ۲۰ هزار خانه در حمله رژیم صهیونیستی، ویران و به بیش از ۱۵۰ هزار خانه نیز خساراتی وارد شده است. بیمارستان‌ها ، مدارس و زیرساخت‌های غزه نیز دچار خسارات جدی شده‌اند.

به دنبال حملات ویرانگر رژیم صهیونیستی در سال‌های ۲۰۰۸، ۲۰۰۹ و ۲۰۱۴، نمایندگان شماری از کشورهای کمک‌کننده بین المللی در قاهره گرد هم آمدند و رقم کمک سه میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلاری را برای بازسازی غزه مطرح کردند اما به گفته بانک جهانی، تنها ۵۳ درصد از پول وعده داده شده تاکنون تحویل داده شده و وضعیت اقتصاد غزه بسیار آشفته و خراب است. بخش تولید لوازم خانگی به عنوان یکی از بخش‌های حیاتی ساکنان نوار غزه، به طور کلی ویران شده و میزان تولید این بخش به دلیل نبود مواد اولیه، به میزان ۹۰ درصد کاهش یافته است. همین مسئله باعث شده تا ۶۰۰۰ کارگر در این بخش بیکار شوند. میزان خسارات وارده به این بخش در طول این مدت بالغ بر ۱۲ میلیون دلار ذکر شده است.

نشانه‌های این آشفتگی به خوبی در سراسر خیابان های غزه مشهود است. مردان جوان به صورت گروهی در پیاده روها بیکار نشسته‌اند و مغازه‌داران نیز با سرگرم کردن خود با گوشی‌های تلفن همراهشان در داخل مغازه‌های خالی خود در حال وقت کشی هستند و بوی ناخوشایند فاضلاب اغلب در همه جا به مشام می‌رسد.

این در شرایطی است که غربی‌ها و برخی کشورهای عربی منطقه با آمریکا و رژیم صهیونیستی همراه شده چشمان خود را به روی آنچه در نوار غزه می‌گذرد بسته‌اند. آنها حتی دستان رژیم صهیونیستی را برای بمباران پیاپی شهرهای نوار غزه و کشتارها و دستگیری‌های گسترده فلسطینی‌ها باز گذاشته‌اند.

اعمال محدودیت در گذرگاه‌ها

قبل از محاصره شدید نوار غزه توسط صهیونیست‌ها، فلسطینیان از طریق ۶ گذرگاه به خارج تردد می‌کرده‌اند و کالاها از طریق این ۶ گذرگاه ترانزیت می‌شده است. اسامی آنها به شرح زیر است: بیت حانون (ایرز)، کارنی، ناحل عوز، کرم ابوسالم، صوفا واقع در مرزهای فلسطین‌اشغالی با باریکه غزه، رفح در مرزهای باریکه غزه با مصر. پس از محاصره، منع تردد افراد و ترانزیت کالاها به یکی از عمده‌ترین مشکلات و چالش‌های فراروی فلسطینیان ساکن باریکه غزه مبدل شد. با بسته ماندن گذرگاه رفح که تنها گلوگاه ارتباطی نوار غزه با مصر به شمار می‌رود، اهمیت گذرگاه بیت حانون افزایش یافت، اسرائیل در سال ۲۰۱۷ هزاران فلسطینی را به بهانه‌های امنیتی از تردد از طریق گذرگاه بیت حانون منع کرده بود. حال آنکه این بهانه‌ها کاملا واهی و مبهم و غیر شفاف بوده است. شمار افراد معطل و سرگردان در این گذرگاه به بهانه بازجویی از آنان افزایش یافت. مراجع اسرائیلی در برخی اوقات به صورت عامدانه مجوز خروج فلسطینیان را لغو می‌کنند، حال آنکه این مجوزها پیشتر به آنان اعطا شده بود. تعداد بازرگانان و تاجرانی که دشمن صهیونیستی در سال ۲۰۱۷ میلادی آنان را از تردد از گذرگاه بیت حانون منع و مجوزهای خروج آنان را لغو کرده بود. به ۳۰۰۰ تن می‌رسد. در سال ۲۰۱۷ هر ماه ۶۰۰۰ نفر از گذرگاه رفح خارج می‌شدند، حال آنکه در سال ۲۰۱۶ هر ماه ۱۲ هزار و ۱۵۰ تن از این گذرگاه خارج می‌شدند. در سال ۲۰۱۷ فقط با ۵۴ درصد درخواست‌های بیماران فلسطینی ساکن نوار غزه برای خروج از این منطقه از طریق گذرگاه ایرز جهت درمان در خارج موافقت به عمل آمد، حال آنکه در سال ۲۰۱۶ با ۶۲ درصد این درخواست‌ها موافقت شده بود.

*** تاکنون صدها بیمار به خاطر نبود دارو و عدم ارائه خدمات پزشکی در بیمارستان‌های نوار غزه جان خود را از دست داده‌اند و بیشتر اقلام دارویی در این باریکه یا تمام شده‌اند یا رو به اتمام هستند و رژیم صهیونیستی هم اجازه اعزام بیماران غزه به خارج را نمی‌دهد. در این باریکه علاوه‌بر بیماری‌های مختلف، ۱۳ هزار نفر به بیماری مهلک سرطان مبتلا هستند.**

بحران اقتصادی

اقتصاد غزه از همان آغاز تحمیل محاصره، دچار رکود شده است، براثر این محاصره، همه گذرگاه‌های اقتصادی بسته و اقتصاد این منطقه فلج شده است، در مقطعی که رژیم صهیونیستی دست به حملات علیه باریکه غزه می‌زد، بخش خصوصی فعال در باریکه غزه، بیشترین خسارت را دیده است، دلیل این مسئله به محدودیت‌های اعمال شده از سوی مراجع صهیونیستی بر تردد بازرگانان بر می‌گردد، جدای از آن رژیم صهیونیستی تعدادی از شرکت‌ها و تاسیسات خاص که منبع درآمد طیف وسیعی از ساکنان نوار غزه بوده‌اند را هدف قرار می‌داده است.

از سوی دیگر، قبل از سال ۲۰۰۶ میانگین تعداد کامیون‌هایی که روزانه از نوار غزه خارج می‌شدند به ۷۰ دستگاه می‌رسید و شمار کامیون‌های حامل کالاها و نیازهای فلسطینیان که هر روز از گذرگاه رفح وارد آن می‌شده‌اند، به ۵۸۳ دستگاه می‌رسیده است. بخش اعظم این کالاها از طریق گذرگاه کارنی در شمال شرق باریکه غزه وارد این منطقه می‌شده است. این در حالی است که گذرگاه ناحل عوز در شرق شهر غزه، خط اصلی واردات سوخت مورد نیاز راه‌اندازی نیروگاه برق این منطقه به شمار می‌رود. گذرگاه کارنی در سال ۲۰۰۷ و گذرگاه صوفا در سپتامبر سال ۲۰۰۸ بسته شدند، این اقدام در حالی صورت می‌گیرد که در حال حاضر بخش اعظم کالاها از طریق گذرگاه کرم ابوسالم وارد نوار غزه می‌شود، این گذرگاه به صورت جزیی فعالیت می‌کند. در سال‌های اول و دوم محاصره باریکه غزه، میانگین کامیون‌هایی که هر روز وارد باریکه غزه می‌شدند، ۱۱۲ دستگاه بود که این تعداد پنج درصد تعداد کامیون‌هایی را شامل می‌شود که پیش از تحمیل محاصره، وارد این منطقه می‌شده‌اند. پس از آن فقط به تعداد محدودی از کالاها مجوز ترانزیت به خارج از باریکه غزه داده شد. نرخ بیکاری در نوار غزه تا پایان سال ۲۰۱۷ به ۴۳/۶ درصد رسیده ۶۰ درصد بیکاران را جوانان تشکیل می‌دهند. ۹۰ درصد افراد معلول نوار غزه بیکار هستند. میانگین افراد زیر خط فقر ساکن نوار غزه دو برابر و نیم بیشتر از میزان افراد زیر خط فقر ساکن کرانه باختری است. میانگین فقر و فقر مطلق در نوار غزه به ۶۵ درصد می‌رسد، حال آنکه میزان نبود امنیت غذایی در این منطقه از مرز ۷۲ درصد گذشته است، تمامی گذرگاه‌های تجاری باریکه غزه به استثنای کرم ابوسالم بسته است.

در سال گذشته ماهانه ۹۷۲۹ دستگاه کامیون حامل کالا از طریق گذرگاه کرم ابوسالم وارد غزه می‌شدند، این میزان سه درصد کمتر از تعداد کامیون‌های وارد شده به نوار غزه در سال ۲۰۱۶ میلادی و ۱۳ درصد کمتر از میانگین ماهانه نیمه نخست سال ۲۰۰۷ می‌باشد. در سال ۲۰۱۷ ماهانه ۲۱۲ دستگاه کامیون از طریق گذرگاه کرم ابوسالم و در نیمه نخست سال ۲۰۱۷ میلادی ۹۶۱ دستگاه کامیون از این گذرگاه وارد باریکه غزه می‌شده است.

اختلال در فعالیت کشاورزان

رژیم اسرائیل با غصب ۳۰ درصد اراضی کشاورزی فلسطینیان، منطقه‌ای حائل در نوار غزه ایجاد کرده است. همین امر مانع تردد کشاورزان فلسطینی در این منطقه می‌شود. ارتش اسرائیل با تیراندازی به سوی فلسطینیان، بازداشت آنان، تخریب زمین‌های کشاورزی و از بین بردن دارایی‌های آنان، شرایط را برای کشاورزان نوار غزه، بسیار سخت کرده است. با توجه به این شرایط حاکم بر نوار غزه، طبیعی است که سرمایه‌گذاری در این منطقه به اقدامی تقریباً محال تبدیل شود. کشاورزان فلسطینی ساکن باریکه غزه در یک دهه گذشته خسارت‌های سنگینی دیده‌اند و این امر بر منبع درآمد آنان و تامین نیازهایشان تاثیرات منفی گذاشته است، این خسارت‌ها عبارتند از تخریب خانه‌های پیش ساخته آنان، تخریب اراضی کشاورزی، ریشه‌کنی درختان و از بین رفتن چهارپایان. ارتش رژیم اشغالگر قدس هر ساله زمین‌های کشاورزی در شرق باریکه غزه، را به مواد سمی آلوده می‌کند و محصولات کشاورزی این منطقه به خاطر آلوده بودن به مواد سمی غیر قابل استفاده می‌شوند. علاوه بر آن، این اقدام اسرائیل به منابع جانوری خسارت وارد می‌کند. این اقدام در حالی صورت می‌گیرد که کشاورزان فلسطینی در جریان جنگ ۵۱ روزه تابستان سال ۲۰۱۴ به مدت دو ماه زمین‌های خود رها کردند و این امر موجب وارد آمدن خسارت‌های مادی به ۷۱ هزار هکتار زمین کشاورزی شده است. به خاطر کاهش واردات، نرخ مواد غذایی افزایش یافت و تعداد زیادی از خانوارهای ساکن نوار غزه در زمینه تهیه و تامین خواربار با مشکلاتی مواجه شدند. رژیم صهیونیستی ۲۵ هزار «دونم» (مقیاس اندازه‌گیری مساحت زمین) از زمین‌های کشاورزی نوار غزه را برای ایجاد منطقه حائل غصب کرده و این میزان ۳۰ درصد اراضی کشاورزی باریکه غزه را تشکیل می‌دهد.

میزان خسارت‌های وارده به بخش کشاورزی در جریان جنگ ۵۱ روزه سال ۲۰۱۴ به ۵۵۰ میلیون دلار می‌رسد. دشمن صهیونیستی در جریان این جنگ ۱۴۰ دونم از اراضی کشاورزی باریکه غزه را مستقیما هدف حمله قرار داد و بیش از ۷۰ حلقه چاه را از بین برد و ۳۴ هزار و ۵۰۰ دونم از زمین‌های کشاورزی را نابود کرد.

ماهیگیران غزه زیر خط فقر

به موجب توافقنامه اسلو که میان سازمان آزادی‌بخش فلسطین «ساف» و رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۹۴ به امضا رسیده است، فلسطینیان می‌توانند تا مسافت ۲۰ مایلی سواحل غزه ماهیگیری کنند. ولی نظامیان رژیم اسرائیل همواره ماهیگیران فلسطینی را از رسیدن به این مسافت منع می‌کنند؛ به نحوی که ارتش اسرائیل به ماهیگیران فلسطینی فقط در مسافت بین ۳ تا ۶ مایل اجازه فعالیت می‌دهد. از سال ۲۰۰۰ به بعد تعداد ماهیگیران ثبت شده در نوار غزه از ۱۰ هزار نفر به ۴۰۰۰ نفر کاهش یافته است، محدوده فعالیت ماهیگیران فلسطینی در دریای غزه فقط ۳ الی ۶ مایل است. ۲۰۰۰ نوع قایق از نوع «حسکه» و پنج قایق موتوری از نوع لنج به خاطر نبود مواد و تجهیزات و قطعات مورد نیاز برای تعمیر، از کار افتاده‌اند.

اقدامات نظامی صهیونیست‌ها

اشغالگران صهیونیست از سال ۲۰۰۸ تاکنون سه بار به باریکه غزه تعرض کرده و در جریان این تجاوزات بیش از ۲۴ هزار تن بمب بر سر مردم این منطقه ریخته‌اند، اسرائیل در اتخاذ تدابیر لازم برای حمایت از مردم باریکه غزه و دور نگه داشتن آنان در جریان این جنگ ناکام مانده است، در پی این تجاوزات نزدیک به ۳۷۴۵ تن به شهادت رسیده و ۱۷ هزار و ۴۴۱ نفر تن دیگر زخمی شده‌اند. این سه جنگ موجب شد که اقتصاد باریکه غزه فلج شود و زیرساخت‌های بخش ساحلی از بین برود. اشغالگران صهیونیست در جریان جنگ ۵۱ روزه غزه به صورت عامدانه بسیاری از تاسیسات صنعتی و شبکه‌های مخابرات و ارتباطات و برق را هدف حمله قرار دادند و با تخریب پل‌ها ارتباط جاده‌ها را قطع و هزاران دونم از زمین‌های کشاورزی را تخریب کردند، متجاوزان صهیونیست مانع از واردات مصالح ساختمانی و دیگر مواد مورد نیاز بازسازی ویرانه‌های باریکه غزه شدند، رژیم اسرائیل نه تنها تدابیر لازم را برای دور نگه داشتن غیرنظامیان فلسطینی ساکن غزه از جنگ اتخاذ نکرد، بلکه مناطق و کانون‌های پرجمعیت را هدف حمله قرار داد. در پی این تجاوزات شماری زیادی از غیرنظامیان به خاک و خون کشیده شده و خسارت‌های سنگینی به زیرساخت‌ها وارد شد و در پی آن اوضاع اقتصادی وخیم شد و نیمی از ساکنان این منطقه بیکار شدند. از مجموع ۱۱ هزار واحد مسکونی ویران شده در باریکه غزه فقط ۵۷۵۵ واحد مسکونی بازسازی شده است. بیش از ۵۵۰۰ خانواده با گذشت بیش از سه سال از جنگ سال ۲۰۱۴ غزه همچنان بی‌خانمان و بی‌سرپناه هستند. از مبلغ ۵۰۰ میلیون دلار اختصاص یافته برای بازسازی باریکه غزه فقط دو سوم این مبلغ تا پایان ماه اوت سال ۲۰۱۷ پرداخت شده است و ۸۸ درصد فلسطینیان بی‌پناه و بی‌خانمان در خانه‌های اجاره‌ای زندگی می‌کنند.

بر اساس قوانین بین‌المللی، اسرائیل به رغم عقب‌نشینی از نوار غزه در سال ۲۰۰۵ همچنان یک رژیم اشغالگر در سرزمین فلسطین است، زیرا بخش اعظم و مهم امور باریکه غزه از جمله تردد افراد، شبکه‌های مواصلاتی، مرزهای زمینی، هوایی و دریایی و همچنین زیرساخت‌های این منطقه تحت سلطه و کنترل این رژیم قرار دارد. صهیونیست‌ها به خاطر تحمیل محاصره نفس‌گیر بر مردم غزه، قوانین بین‌المللی را نقض کرده و مردم را به شیوه‌ای بی‌سابقه، به صورت دسته جمعی مجازات می‌کنند. لغو محاصره نوار غزه باید سرلوحه برنامه‌های مجامع جهانی باشد، تا وضعیت ناگوار ساکنان باریکه غزه سامان بگیرد و آنان بتوانند آزادانه مسافرت کنند و دست به فعالیت‌های تجاری بزنند.

در هر حال، آنچه در نوار غزه می‌گذرد، وجدان بشری را در محک آزمایش قرار داده است. هیچ کس نمی‌تواند نام خود را انسان بگذارد، ولی نسبت به مجازات جمعی ساکنان نوار غزه، خصوصاً زنان و کودکان بی‌تفاوت باشد.

خوشبختانه، به برکت رسانه‌های آزاد، بسیاری از مردم جهان فهمیده‌اند که در نوار غزه چه می‌گذرد و کشورهایی مثل آمریکا و انگلیس و فرانسه تا چه اندازه در اقدامات ضد انسانی رژیم صهیونیستی سهیم هستند.

منابع مورد استفاده
ایرنا
مرکز اطلاع‌رسانی فلسطین

کودک‌کشی در یمن جنایت مشترک سعودی – صهیونیسم

«عبد ربه منصور هادی» رئیس‌جمهور مستعفی و فراری یمن، به صورت سریالی، سخنانی را علیه جمهوری اسلامی ایران مطرح کرده همین سریالی بودن اظهارات و ادعاهای ضدایرانی موجب شده تا از پیش طراحی شدن چنین اقدامی در اتاق‌های فکر اربابانِ سعودی وی کاملا واضح و عیان شود. منصور هادی در یکی از ادعاهای خود، ایران را به حمایت تسلیحاتی از گروه‌های یمنی و به ویژه نیروهای انصارالله متهم کرده است! این درحالی است که وی همچون اربابانِ سعودی‌اش تاکنون از ارائه کوچکترین سند و مدرکی برای اثبات ادعای خود عاجز مانده است. هادی همچنین در ادعاهایی تعجب برانگیز، مدعی شده است: «افراط گرایان و شبه‌نظامیانِ حوثی مورد حمایت ایرانی در کمین یمن هستند! ما با جامعه جهانی تلاش می‌کنیم تا از این کمین عبور کرده و به صلح و امنیت برسیم!»

رئیس‌جمهور فراری یمن همچنین ادعا کرده است: «آمریکا حامی مشروعیت یمن است. ما از واشنگتن به دلیل مواضع آن در حمایت از مشروعیت قدردانی می‌کنیم!» از سوی دیگر، منصور هادی در یکی دیگر از سخنان خود مدعی شده است: «شبه نظامیان کودتاچی یک جنگ وحشیانه را علیه ملت یمن به راه انداخته‌اند؛ جنگی که منافع توسعه‌طلبانه ایران را تأمین می‌کند!» این ادعای مضحک در حالی مطرح می‌شود که حملات تجاوزکارانه رژیم سعودی و متحدان آن به یمن پس از درخواست رسمی منصور هادی آغاز شد؛ حملاتی که تاکنون بیش از ۳۳ هزار شهید و زخمی برجای گذاشته است. رئیس‌جمهوری مستعفی و فراری یمن همچنین ادعا کرد که عملیات طوفان قاطعیت، نقشه ایران در یمن را با شکست مواجه ساخته است!

شبیه‌ترین فرد به «آنتوان لحد»

تاریخ هیچگاه فراموش نخواهد کرد که جنایت‌های هولناک و قرون وسطایی عربستان سعودی و متحدان آن علیه مردم بی‌دفاع و بی‌گناه یمن، در واقع محصول خیانت بزرگی است که «عبد ربه منصور هادی» علیه ملت خود مرتکب شد. اگر ائتلاف متجاوز سعودی به سرکردگی عربستان سعودی در تاریخ ۲۵ مارس سال ۲۰۱۵ حملات ددمنشانه خود علیه مردم یمن را کلید زد، علت آن به درخواست رسمی منصور هادی از سعودی‌ها برای آغاز چنین عملیات تجاوزکارانه‌ای باز می‌گردد؛ درخواستی که پوشش مناسبی را برای اقدامات ضد حقوق بشری و ضد حقوق‌بشردوستانه سعودی‌ها فراهم آورد و موجب شد تا آنها اینگونه به افکار عمومی القاء کنند که عملیاتشان در یمن، به درخواست رئیس‌جمهور آن کشور بوده و بدین ترتیب کاملا قانونی تلقی می‌شود.

در حال حاضر منصور هادی به جایی رسیده است که هیچ کس از حیث ارتکاب خیانت علیه یک ملت مظلوم با او برابری نمی‌کند، از همین روی، از این نظر بهترین کسی که می‌توان هادی را به او تشبیه کرد، «آنتوان لحد» است. آنتوان لحد یک نظامی لبنانی بود که با شعارهای ناسیونالیستی و ادعای وطن‌پرستی، از ارتش لبنان خارج شد و با پول و سلاح اسرائیل، ارتشی تشکیل داد که ۲۰ سال با نظامیان لبنانی جنگید. وی مجری توطئه‌های اسرائیل در لبنان و از عوامل اصلی جنگ داخلی ۱۵ ساله در کشورش بود و در کشتار صبرا و شتیلا نیز نقش داشت. اکنون نگاهی به تحولات یمن و نقشی که منصور هادی در چارچوب این تحولات ایفا می‌کند، در وهله اول خاطرات اقدامات خیانتکارانه لحد را به اذهان تداعی می‌کند؛ گویی که تاریخ بار دیگر و در جایی دیگر، تکرار شده است.

عروسک خیمه شب بازی

«منصور هادی» در ۲۷ مارس سال ۲۰۱۵ پس از آغاز عملیات نظامی تجاوزکارانه سعودیها و هم‌پیاله‌های آنها، فرار را بر قرار ترجیح داد و به عربستان سعودی گریخت. سیر تحولات قریب به سه سال گذشته در ارتباط با نحوه برخورد مقامات ریاض با منصور هادی به خوبی گویای این واقعیت است که وی تنها یک عروسک خیمه شب بازی در نزد خاندان سعودی است، به گونه‌ای که حتی برای آب خوردن نیز به اجازه آنها احتیاج دارد. منصور هادی تنها مجری دستورات صادره از کاخ پادشاهی سعودی است و بیش از این، اختیاری از سوی خود ندارد. وی حتی در سال گذشته توسط مقامات سعودی برای مدت زیادی در حصر خانگی قرار گرفت تا نتواند به صورت خودسرانه اقدامی را در رابطه با تحولات یمن صورت دهد. این حصر خانگی در ریاض پس از آن صورت گرفت که منصور هادی طی چند نوبت تلاش کرد تا برخلاف تمایل خاندان سعودی، به شهر عدن در جنوب یمن سفر کند.

پس از پافشاری هادی بر لزوم انجام این سفر، مقامات سعودی به او تفهیم کردند که وی دیگر هیچ جایگاهی در عرصه تحولات یمن نداشته و این ریاض است که تصمیمات لازم در این خصوص را اتخاذ می‌کند و تمامی امور نیز باید با هماهنگی مقامات ریاض انجام شود. در همین ارتباط، رسانه آمریکایی «آسوشیتدپرس» پیشتر اعلام کرده بود: «ناتوانی هادی در بازگشت به جنوب یمن، تاکیدی بر از دست رفتن اختیار و قدرت او حتی در محور جنوبی است». براساس آنچه که گفته شد، پر واضح است که اظهارات و ادعاهای ضدایرانی منصور هادی طی روزها و هفته‌های گذشته در اتاق فکر سعودی برنامه‌ریزی شده است و او به عنوان یک «مُهره سوخته» تنها مجری یک طرح ضدایرانی از سوی خاندان سعودی است.

طرح مشترک ریاض و تل‌آویو

در شرایط کنونی به نظر می‌رسد که با یک طرح ضدایرانی مشترک جدید از سوی عربستان سعودی و مقامات رژیم صهیونیستی مواجه هستیم. اظهارات ضدایرانی منصور هادی به عنوان یکی از عاملان و مزدوران سعودی و به موازات آن، فرافکنی‌های اخیر رژیم صهیونیستی مبنی بر نفوذ یک پهپاد ایرانی به حریم هوایی سرزمین‌های اشغالی، حکایت از آن دارد که نقشه جدیدی از سوی سعودی و صهیونیسم برای مواجهه با نفوذ روزافزون جمهوری اسلامی ایران در منطقه، طراحی شده است. مقامات سعودی و صهیونیستی خود نیز به این مسئله اذعان داشته و بارها گفته‌اند که اجازه افزایش نفوذ ایران در کشورهای منطقه را نخواهند داد و با این نفوذ، مقابله خواهند کرد. این را نیز اضافه کنید که قدرتی که امروز محور مقاومت از آن برخوردار است، در مقایسه با سال‌های گذشته بی‌سابقه بوده و همین مسئله موجبات نگرانی مقامات ریاض و تل‌آویو را فراهم آورده است. بنابراین، کاملا طبیعی است که آنها در اتاق‌های فکر مشترک خود به طراحی برنامه‌های ضدایرانی متوسل شوند.

از سوی دیگر، منافع مشترک ریاض و تل‌آویو در سوریه موجب شده است تا آنها از تمامی ظرفیت‌های خود برای مقابله با ایران بهره‌برداری کنند. یکی از عوامل مهم همزمانی تلاش‌های مزبوحانه ریاض و تل‌آویو برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران، منافع مشترک این دو در سوریه است. جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از مهم‌ترین بازیگران تأثیرگذار بر تحولات سوریه تاکنون نقش مهمی را در ناکام گذاشتن اهداف سعودی و صهیونیسم در این کشور ایفا کرده است. سعودیها و صهیونیستها اکنون بر آن شده‌اند تا به زعم خود از طریق تضعیف ایران، زمینه کاهش نقش آن در سوریه را فراهم کنند. موفقیت نهایی دولت و ملت سوریه در نبرد با تروریسمِ تحت‌الحمایه سعودی و صهیونیسم، ضربه کاریِ را به هر دوی آنها وارد خواهد آورد؛ کما اینکه تاکنون نیز پس لرزه‌های این موفقیت نسبی، دامن‌گیر آنها شده است. برهمین اساس، یکی از اهداف اصلی فرافکنی‌های همزمان سعودیها و صهیونیستها علیه ایران از طریق تشکیل اتاق فکر مشترک، مقابله با نفوذ تهران در سوریه است.

توّهم ایجاد اجماع منطقه‌ای

سعودی و صهیونیسم امروز در توّهم ایجاد یک اجماع منطقه‌ای و بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران هستند. آنها این اقدام خود را به ویژه پس از سلسله مواضع اخیر «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهوری ایالات متحده آمریکا علیه تهران، بیش از پیش تشدید کرده‌اند تا شاید از این رهگذر، جامعه جهانی را بیش از قبل علیه ایران تحریک کنند. سلسله اظهارات اخیر مزدوران سعودی همچون منصور هادی و همچنین فرافکنی‌های مقامات صهیونیستی علیه ایران در واقع، با هدف هم‌صدایی و همنوایی با دولت کنونی ایالات متحده و هم‌پیمانان غربی آن مطرح می‌شود؛ به ویژه آنکه آنها (آمریکا و غرب) طی هفته‌های اخیر به صورت یکصدا بر لزوم تغییر رفتار منطقه‌ای ایران تأکید کرده‌اند. اکنون سعودی و صهیونیسم عزم خود را برای موج سواری بر روی زیاده خواهی‌های آمریکا و غرب از ایران جزم کرده و می‌خواهند بیش از گذشته به این موج دامن زنند. این درحالی است که به نظر می‌رسد تل‌آویو و ریاض فراموش کرده‌اند که معادلات قدرت در مقایسه با سال‌های دور تفاوت چشمگیری داشته است و اکنون، این اقتدار جمهوری اسلامی است که آینده تحولات را رقم می‌زند و نه توطئه‌چینی‌های چند رژیم کوچک و دیکتاتورمسلک که مؤلفه‌های قدرت را تنها در کودک‌کُشی و به خاک و خون کشیدن مردم مظلوم و بی‌گناه خلاصه می‌کنند.

منبع: فارس